

# پژوهشنامه حقوق کیفری

سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

صفحات ۸۹-۱۱۷

## تأسیس شعب فوق العاده سنگال برای محاکمه حسین هابره: یک گام به جلو در راستای مبارزه با جنایات بین المللی

دکتر محمد حسین رضانی قوام آبادی ✉  
دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده:

حقوق بین الملل کیفری، هم به صورت عمودی و هم به صورت افقی توسعه زیادی پیدا کرده است. یکی از مهمترین دستاوردهای چنین توسعه‌ای، تأسیس محاکم کیفری بین المللی متعدد است. شعب فوق العاده سنگال به منظور محاکمه حسین هابره را می‌توان به‌عنوان یکی از جدیدترین محاکم کیفری نسل سوم تلقی کرد که در سال ۲۰۱۲ تأسیس شد. تأسیس این شعب براساس توافقی است که بین دولت سنگال و اتحادیه آفریقایی جهت محاکمه حسین هابره رئیس جمهور سابق دولت چاد صورت گرفته است. این تحقیق در صدد تجزیه و تحلیل ریشه‌ها و علل شکل‌گیری چنین شعبی و صلاحیت‌های آن می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** اتحادیه آفریقایی، شعب فوق العاده سنگال، شکنجه، حقوق بین الملل کیفری، دیوان بین المللی دادگستری.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۲  
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسؤل:  
ramazanighavam@yahoo.com

تأسیس مراجع کیفری در حقوق بین‌الملل تاکنون به شیوه‌های مختلفی صورت پذیرفته است. از مراجع نسل اول یعنی مراجعی چون دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ و توکیو که توسط دول پیروز جنگ جهانی دوم ایجاد شدند، تا مراجع نسل دومی چون دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا که از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت و همچنین دیوان کیفری بین‌المللی که توسط توافق دولت‌ها در قالب اساسنامه رم ۱۹۹۸، موجودیت خود را در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری نشان دادند (David, 2005: 337). نسل سوم مراجع کیفری شامل مراجعی چون دادگاه ویژه لبنان، دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق-العاده کامبوج می‌شود که به درخواست دولت‌ها و با توافق سازمان ملل متحد ایجاد شده‌اند. تلفیقی یا مختلط بودن این مراجع به این دلیل است که در آنها ترکیبی از قضات ملی و بین‌المللی حضور دارند و حقوق قابل اعمال در این مراجع بعضاً حقوق ملی و بین‌المللی است. با این اوصاف، گفتنی است که برخی از این مراجع مثل دادگاه ویژه لبنان مقررات بین‌المللی را به اجرا نمی‌گذارند و تنها حقوق لبنان را اعمال می‌کند.

از حیث طبقه‌بندی مراجع کیفری، شعب فوق‌العاده سنگال در مراجع نسل سوم حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. فارغ از ترکیب و حقوق قابل اعمال، تفاوت اساسی بین شعب فوق-العاده سنگال با سایر مراجع نسل سوم در سند تأسیس آن است. به عبارت دیگر، این شعب، حاصل توافق بین دولت سنگال و اتحادیه آفریقایی است. شعب فوق‌العاده سنگال به منظور تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایات ارتكابی در کشور آفریقایی چاد تأسیس شد. حسین هابره در سال ۱۹۸۲ با حمایت ایالات متحده آمریکا قدرت در چاد را بدست گرفت و تا سال ۱۹۹۰ بر این کشور حکومت کرد. در مدت حکومت ۸ ساله ایشان جنایات زیادی در چاد رخ داد و با فرار و پناهنده شدن وی به سنگال دعاوی متعددی در دادگاههای چاد، بلژیک و سنگال علیه هابره مطرح گردید.

بی‌نتیجه بودن دعاوی مطروحه و عدم تعقیب و محاکمه مؤثر حسین هابره موجب طرح این قضیه در مراجع مختلفی چون کمیته ضد شکنجه و دیوان بین‌المللی دادگستری گردید. با پیروزی مکی سال (Macky Sall) در مقابل عبدالله واد (Abdoulaye Wade) در انتخابات ریاست جمهوری در مارس ۲۰۱۲، قضیه محاکمه حسین هابره به طور جدی دنبال شد؛ زیرا تا قبل از آن اراده سیاسی واقعی برای این کار وجود نداشت و با طرح مسائل گوناگون مانع پیشرفت عملی آن می‌شد. سرانجام اتحادیه آفریقایی با دولت سنگال موافقت‌نامه‌ای جهت تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال امضا کردند که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲ قانون تأسیس این شعب بوسیله مجلس ملی این کشور مورد تصویب قرار گرفت. این شعب برای تعقیب و

محاکمه مسؤول یا مسؤولین اصلی نقض‌های حقوق بین‌الملل، عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های تصویب شده توسط چاد و سنگال که در سرزمین چاد از ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا اول دسامبر ۱۹۹۰ ارتکاب یافته است، تأسیس شد. ( Accord entre le gouvernement de la République du Sénégal et l'Union Africaine sur la création de Chambres Africaines extraordinaires au sein des juridictions sénégalaises, 22 août 2012

این شعب بیشتر شبیه شعب فوق‌العاده کامبوج می‌باشند، ولی از این جهت که این شعب به ابتکار یک سازمان منطقه‌ای (اتحادیه آفریقایی) ایجاد شده‌اند از شعب کامبوج متمایز می‌شوند. تأسیس چنین شعبی در نظام قضایی سنگال از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا این شعب برای تعقیب و محاکمه افرادی که هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی با دولت سنگال ندارند، ایجاد شده است. نه شاکی و نه متهم و نه محل وقوع جرم هیچ کدام مربوط به سنگال نمی‌شود اما متهم اصلی به ارتکاب جنایات ارتكابی چاد در بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ اکنون به عنوان پناهنده سیاسی در سنگال بسر می‌برد. لذا به نظر می‌رسد از این حیث تعقیب و محاکمه مسؤولین این جنایات از مصادیق بارز صلاحیت جهانی باشد که توسط دولت سنگال بعمل می‌آید. این شعب به واقع دومین مراجعی هستند که به نحوی در آفریقا بعد از دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا تشکیل می‌شود. البته لازم به ذکر است تعدادی از سران آفریقا چه به درخواست دولت‌های آفریقایی و چه به درخواست شورای امنیت در قالب تصمیماتی که در چارچوب فصل ۷ منشور ملل متحد علیه آنها صادر شده است در دیوان کیفری بین‌المللی تحت تعقیب قرار دارند و اخیراً نیز موجب اتهاماتی از سوی اتحادیه آفریقایی نسبت به دیوان کیفری بین‌المللی شده و آن را به مثابه نژادپرستی ضد آفریقایی و استعمار نو تلقی کرده‌اند.<sup>۱</sup> همان طور که ذکر شد ایجاد شعب فوق‌العاده سنگال در راستای تصمیم و توافق صورت گرفته بین اتحادیه آفریقایی و دولت سنگال تشکیل شد. پس مرجعی آفریقایی برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در آفریقا و یا به عبارت دیگر «به نام آفریقا»

۱. در حال حاضر حدود ۸ قضیه در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح است که به نحوی با کشورهای آفریقایی مربوط می‌شود. از این تعداد، ۴ قضیه به ابتکار و به درخواست کشورهای متبوع متهمین طرح شده است. طرح این تعداد قضیه در دیوان کیفری بین‌المللی سبب شده تا این کشورها در کنفرانس اخیر آدیس آبابا چنین موضوعاتی را مطرح نمایند و از دیوان مزبور درخواست کنند تا از تعقیب رئیس جمهور کنیا و معاون وی خودداری کند و با توجه به اصلاحات انجام شده در سیستم قضایی کنیا، رسیدگی را بر عهده مراجع قضایی این کشور بگذارند. برای اطلاعات بیشتر نک به:

Agence France-Presse, Union africaine-la CPI est accusée de mener une chasse raciale contre les africains, 28 mai 2013.

چنین مرجعی جهت محاکمه حیسن هابره تأسیس شد. ( Décision sur le procès d’Hissène Habré et l’Union Africaine, AU/Dec. 127(VII), 1-2 juillet 2006 )  
پرسش اصلی این تحقیق چیستی و چرایی تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال است. به منظور روشن شدن این پرسش، موضوع صلاحیت این شعب و حقوق حاکم بر آن باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. لذا ابتدا ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری شعب فوق‌العاده سنگال (گفتار اول) و در پی آن مبنای شکل‌گیری، صلاحیت و حقوق حاکم بر این شعب (گفتار دوم) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲. گفتار نخست: ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری شعب فوق‌العاده سنگال

علت اصلی تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال اجرای عدالت نسبت به متهمان جنایات ارتكابی در چاد است. طرح شکایت متعدد علیه حیسن هابره در چاد، سنگال و بلژیک و همچنین شکایت علیه سنگال به عنوان دولتی که هابره به آنجا پناهنده شده جملگی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری چنین مرجعی در چارچوب اتحادیه آفریقایی است. مهمترین عاملی که در مراجع مختلف بین‌المللی علیه دولت سنگال در این باره بیان شد موضوع رعایت مفاد کنوانسیون ضدشکنجه و همچنین رعایت تعهد «استرداد کنید یا محاکمه» (Aut dedere aut judicare) بود.

بنابراین، تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال را می‌توان در چارچوب احترام به تصمیمات مراجع بین‌المللی و رعایت و پایبندی دولت سنگال نسبت به تعهدات بین‌المللی دانست که در ادامه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

### ۱.۲. از طرح دعوا در محاکم سنگال تا طرح دعوا در کمیته ضد شکنجه:

دعاوی متعددی توسط ۷ نفر از اتباع چاد و انجمن قربانیان جنایات و سرکوب‌های سیاسی چاد در دادگاههای سنگال علیه آقای هابره مطرح شد. اکثر دعاوی مطروحه علیه ایشان به دلیل مخالفت با قانون اساسی و سایر قوانین عادی رد گردید. پذیرش دعاوی مزبور به معنی عدم توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و همچنین اصل عطف بامسبق نشدن قوانین کیفری در مورد جنایات علیه بشریت تلقی گردید. عدم پذیرش صلاحیت جهانی برای محاکم سنگال جهت رسیدگی به جنایات ارتكابی توسط یک خارجی در خارج از سنگال جملگی از مواردی بود که در پرونده وی مطرح شد و موجب رد دعاوی مطروحه علیه هابره در سنگال شد ( Arrêt Souleymane Guengueng et autres c. Hissène Habré, 20 mars 2001 ).

با بی نتیجه ماندن اقدامات آنها در مراجع سنگال، موضوع در کمیته ضد شکنجه دنبال شد. لازم به ذکر است که دولت سنگال، کنوانسیون ضد شکنجه را در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۸۶ تصویب کرده است. کمیته ضد شکنجه رکن ضامن اجرای مفاد کنوانسیون مزبور است و به همین جهت نیز دادخواست در ۱۸ آوریل ۲۰۰۱ تقدیم کمیته یاد شده گردید (CAT/C/36/D/181/2001, 19 mai 2006). در این دادخواست بر نقض بند ۲ ماده ۵ و همچنین ماده ۷ کنوانسیون تأکید فراوانی شد. بر اساس ماده ۵ کنوانسیون هر یک از دولت‌های متعاقد تدابیری ضروری برای اعمال صلاحیت خود نسبت به جنایات مندرج در کنوانسیون در صورتی متهم در قلمرو تحت صلاحیت آنها باشد، اتخاذ نمایند. در واقع کنوانسیون مذکور، دول متعاقد را مکلف به اعمال صلاحیت خود نسبت به تعقیب و محاکمه افرادی که مرتکب شکنجه می‌شوند، کرده است. اتخاذ تدابیر ضروری مندرج در ماده ۵ شامل تدابیر قانونگذاری و تعقیب و محاکمه ارتکاب چنین اعمالی می‌شود. دولت سنگال از سال ۱۹۹۰ که حیسن هابره به آن کشور پناهنده شد تا زمان طرح دعوا در مراجع داخلی سنگال و طرح قضیه در کمیته ضد شکنجه، مدت زمان قابل توجهی سپری شده است. به عبارت دیگر، دولت متعاقد (سنگال) به حد کافی وقت داشته است تا تعهدات خود را به موجب کنوانسیون ضد شکنجه انجام دهد.

نقض ماده ۷ کنوانسیون ضد شکنجه از مهمترین استناداتی بود که در دادخواست به آن تأکید شده بود. بر طبق ماده ۷، دولت‌های متعاقد - اگر متهم به ارتکاب جرم در قلمرو تحت حاکمیت قضایی آنها یافت شود - مکلفند چنانچه وی را مسترد نمی‌دارند، برای تعقیب کیفری در اختیار مقامات صلاحیتدار خود قرار دهند. تعهد به تعقیب متهم به ارتکاب شکنجه نیازمند وجود تقاضای استرداد نیست. بنابراین در صورت وجود چنین تقاضایی، دولت متعاقد در موقعیت انتخاب بین دو امر استرداد متهم یا این که او را در اختیار مقامات قضایی خود بگذارد، قرار می‌گیرد. لذا می‌توان گفت که نقض ماده ۷ کنوانسیون ضد شکنجه به دو صورت قابل تصور است: الف) تا زمانی درخواست رسمی جهت استرداد حیسن هابره وجود نداشت، در این صورت همان طور که در بالا ذکر شد دولت سنگال متعهد به اجرای تعهدات معاهده‌ای خود بر اساس کنوانسیون ضد شکنجه و تعقیب کیفری است. دوم) حالت دوم مربوط به زمانی است که دولت بلژیک در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ قرار جلب بین-المللی حیسن هابره را صادر کرد. با صدور قرار جلب، دولت سنگال در مقابل حالت دوم مورد نظر در ماده ۷ کنوانسیون ضد شکنجه قرار گرفت. پس دولت متعاقد در مقابل دو امر «استرداد یا محاکمه» قرار می‌گیرد و در صورت عدم محاکمه باید وی را مسترد دارد. در خصوص درخواست دولت بلژیک، دولت سنگال برای بار دوم نسبت به انجام تعهدات

معاهده‌ای به موجب ماده ۷ کنوانسیون ضد شکنجه کوتاهی کرد ( Comité contre la torture, CAT/C/36/D/181/2001, 19 mai 2006, para : 9.5- 9.11).

امروزه ممنوعیت شکنجه از اهمیت زیادی برخوردار است و مفاد و محتوای ماده ۷ کنوانسیون در راستای پایان دادن به فرهنگ بی‌کیفرمانی تلقی می‌گردد. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق فرصت را غنیمت شمرده و مطالب جالبی در باب قاعده آمره و ممنوعیت شکنجه بیان داشت. دادگاه یوگسلاوی اعلام کرد که: «اصل ممنوعیت شکنجه تبدیل به یک قاعده آمره شده است یعنی قاعده‌ای که از حیث سلسله مراتب بین‌المللی خیلی بالاتر از حقوق معاهده‌ای و قواعد عرفی «عادی» قرار گرفته و دولت‌ها نمی‌توانند از طریق معاهدات بین‌المللی، عرف‌های محلی یا خاص یا حتی قواعد عرفی عامی که دارای همان ارزش هنجاری نیستند، نقض کنند.» در ادامه دادگاه مزبور می‌افزاید که این ممنوعیت به عنوان یکی از هنجارهای بنیادین جامعه بین‌المللی است. در تبیین مسؤولیت کیفری فردی، دادگاه به آثار قاعده آمره نسبت به ممنوعیت شکنجه توسط جامعه بین‌المللی اشاره کرده و اعمال صلاحیت جهانی نسبت به آن را مورد تایید قرار می‌دهد. دادگاه در نهایت نفی مرور زمان را به عنوان یکی دیگر از آثار آمره بودن منع شکنجه ذکر می‌کند ( Jugement. Furundzija, 1998, para : 153-157).

فشار افکار عمومی بین‌المللی و همچنین تصمیم کمیته ضد شکنجه موجب شد تا دولت سنگال قوانین خود را تغییر دهد. این تغییر قوانین موجب نگرانی عمیق حیسن هابره گردید و با طرح دعوا در دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی تلاش کرد تا از تعقیب احتمالی خود جلوگیری کند.

## ۲.۲. طرح دعوا در دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی:

دولت سنگال بعد از صدور تصمیم کمیته ضد شکنجه در سال ۲۰۰۶، قوانین و مقررات خود را اصلاح کرد تا به این وسیله پایبندی خود را نسبت به کنوانسیون ضد شکنجه نشان دهد. مطابقت قوانین با مفاد کنوانسیون ضد شکنجه یکی از مهمترین اقدامات دولت سنگال بود که در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ محقق و از این طریق مقدمات محاکمه و تعقیب حیسن هابره فراهم شد.

اصلاح قوانین داخلی سنگال در دو سطح اساسی و عادی صورت گرفت. ماده ۹ قانون اساسی سنگال اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و عطف بماسبق نشدن قوانین را پیش بینی می‌کند. قسمت اخیر ماده مذکور بعد از اعمال اصلاحات به این صورت تغییر کرد که تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین جنایاتی چون نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و

جانیات جنگی مشمول اصول فوق نمی‌شوند. در قوانین جزا و ائین دادرسی کیفری این کشور نیز اصلاحاتی صورت گرفت و بر طبق آن «هر خارجی که در خارج از قلمرو جمهوری سنگال متهم به ارتکاب یا شرکت در یکی از جنایات مندرج در مواد ۱-۴۳۱ تا ۵-۴۳۱ قانون جزا شود... می‌تواند بر طبق قوانین و مقررات سنگال - چنانچه در قلمرو سنگال یافت شود یا قربانی مقیم در قلمرو جمهوری سنگال باشد یا چنانچه دولت استرداد وی را کسب کند- تعقیب و محاکمه کند» (Article 669, Code de procédure pénale sénégalaise).

بنابراین دولت سنگال از طریق اصلاح مقررات خود در صدد کاهش فشارهای جامعه بین‌المللی برآمد. اصلاح و تغییر قوانین سنگال موانع بر سر راه تعقیب و محاکمه حیسن هابره را زدود و از طرف دیگر به نحوی اجرای تصمیم کمیته ضد شکنجه را به اثبات رساند. از طرف دیگر اصلاحات انجام شده در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۷ باید به منزله اتخاذ تدابیر ضروری که در ماده ۷ کنوانسیون ضد شکنجه پیش بینی شده است، تعبیر کرد زیرا از این طریق دولت سنگال پایبندی خود را به مفاد کنوانسیون ضد شکنجه نشان داد.

تغییرات و اصلاحات انجام شده فوق باعث شد تا حیسن هابره دعوی خود را علیه سنگال در ۶ اکتبر ۲۰۰۸ در دبیرخانه دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی به ثبت رساند. شکایت هابره از دولت سنگال به این دلیل بود که با اصلاح این قوانین، امکان تعقیب و محاکمه وی بیش از پیش تقویت شد. حیسن هابره در دادخواست خود تغییر قوانین سنگال را بر خلاف اسناد بین‌المللی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی در خصوص مردم سالاری و به زمامداری می‌داند.

دولت سنگال در هر دو مرجع یعنی کمیته ضد شکنجه و دیوان دادگستری آفریقای به عنوان خواننده بود. همان طور که در بالا اشاره شد، کمیته ضد شکنجه اتخاذ تدابیری ضروری جهت اجرای مفاد کنوانسیون ضد شکنجه را از دولت سنگال درخواست کرد. تغییر و اصلاح قوانین اساسی و عادی یکی از تدابیر تقنینی بود که جهت اجرای تصمیم کمیته ضد شکنجه توسط دولت سنگال به عمل آمد. دولت سنگال با اتخاذ چنین تدابیری بار دیگر به عنوان خواننده نه در مقابل کمیته ضد شکنجه بلکه این بار در مقابل دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی حاضر شد. در این قضیه دولت سنگال اعتقاد داشت که در مقابل موضوع مطابقت مقررات ملی با تعهدات بین‌المللی‌اش قرار گرفته است. به عبارت دیگر سنگال در مقام خواننده باید مفاد کنوانسیون ضد شکنجه را اجرا کند و بدین منظور بایستی تدابیری جهت مطابقت مقررات ملی خود با تعهدات بین‌المللی‌اش به عنوان دولت متعاقد کنوانسیون اتخاذ نماید. بر این اساس، دولت سنگال مکلف به اصلاح و تغییر مقررات

ملی خود برای اعمال صلاحیت قضایی نسبت به جنایات مورد نظر در کنوانسیون ضد شکنجه است. این تغییرات از طرف حیسن هابره به عنوان نقض حقوق بشر توسط دولت مزبور نسبت به وی تلقی گردید و در مقابل سنگال اعتقاد داشت که چنین تغییراتی صرفاً به منظور مطابقت مقررات ملی با تعهدات بین‌المللی این کشور بوده است.

همان طور که قبل از این بیان شد موضوع رسیدگی در دو مرجع فوق به نحوی موجب حضور دولت سنگال به عنوان خوانده شد. البته فرق اساسی بین این دو مرجع در این است که یکی به عنوان رکن معاهده ای و ضامن کنوانسیون ضد شکنجه و دیگری به عنوان یک مرجع منطقه‌ای است. کمیته ضد شکنجه به عنوان رکن پاسدار و ضامن اجرای مفاد کنوانسیون ۱۹۸۴ است و در صورت عدم رعایت تعهدات مندرج در کنوانسیون توسط دولت متعاهد، افراد می‌توانند وفق مفاد ماده ۲۲ کنوانسیون اقدام به طرح قضیه در کمیته ضد شکنجه نمایند.

دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی<sup>۱</sup> با درخواست حیسن هابره، موضوع عدم رعایت اصول حقوقی بنیادین توسط دولت سنگال را مورد رسیدگی قرار داد. در قضیه اول طرح موضوع عدم رعایت مفاد کنوانسیون ضد شکنجه ۱۹۸۴ توسط دولت سنگال از طرف اتباع چاد در کمیته ضد شکنجه موجب شد تا کمیته مزبور بر اتخاذ تدابیر ضروری جهت اعمال صلاحیت نسبت به نقض‌های کنوانسیون ۱۹۸۴ را بعمل آورد و یا در صورت لزوم متهم به ارتکاب چنین نقض‌هایی را به بلژیک یا هر کشور دیگری که درخواست استرداد را کرده است، تحویل دهد. پس کمیته ضد شکنجه به نحوی تعهد «مسترد دارید یا محاکمه کنید» را متذکر می‌شود و از این طریق از دولت سنگال می‌خواهد که اقدامات مقتضی را جهت تعقیب مرتکب به اعمال ناقض کنوانسیون ۱۹۸۴ را به اجرا گذارد.

در دعوای مطروحه توسط حیسن هابره علیه دولت سنگال در دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی، وضعیت کاملاً متفاوت است زیرا در اینجا حیسن هابره خواهان و دولت سنگال خوانده است: خواهان معتقد است که دولت سنگال با تغییر و اصلاح مقررت خود، حقوق خوانده را تضییع کرده است. دیوان مزبور در تصمیم خود وجود قرائنی دال بر

۱. جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی متشکل از ۱۵ کشور و با هدف ارتقای وضعیت اقتصادی در سال ۱۹۷۵ تشکیل شد. این جامعه متشکل از نهادهایی چون کمیسیون، پارلمان، دیوان دادگستری جامعه و بانک سرمایه گذاری و توسعه می‌باشد. از سال ۲۰۰۵ دیوان صلاحیت دریافت شکایات فردی را دارا شده است و شهروندان هر یک از دول عضو می‌توانند شکایت خود را در خصوص نقض‌های حقوق بشر انجام شده توسط دولت‌ها را تقدیم دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی نمایند. برای اطلاعات بیشتر نک به:

[http://www.comm.ecowas.int/sec/index.php?id=about\\_a&lang=fr](http://www.comm.ecowas.int/sec/index.php?id=about_a&lang=fr), consulté le 25 juin 2013.



احتمال نقض حقوق حیسن هابره را احراز می‌کند و چنین تصمیمی را ناشی از اصلاح قوانین اساسی و عادی دولت سنگال می‌داند. بیشترین تأکید دیوان بر رعایت اعتبار امر مختومه متکی است و به همین دلیل نیز به دولت سنگال دستور می‌دهد تا اصل عطف بماسبق نشدن را رعایت کند.

اما در نهایت دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی بر این نکته تأکید می‌کند که دولت سنگال از طرف اتحادیه آفریقایی ماموریت دارد تا در چارچوب آئینی ویژه و با خصیصه بین‌المللی تعقیب و محاکمه را به آن صورتی که در حقوق بین‌الملل تمامی ملل متمدن است، به عمل آورد (CEDEAO, Hissein Habré c. Sénégal, 18 novembre 2010, para : 61). همان طور که قبلاً ذکر شد اتحادیه آفریقایی از دولت سنگال خواسته بود تا «به نام آفریقا و توسط مرجعی صالح با تضمین‌های دادرسی عادلانه» حیسن هابره را تعقیب و محاکمه نماید. نکته قابل تامل این است که اتحادیه آفریقایی مقرر می‌دارد: «مرجعی صالح» اما این اتحادیه در خصوص نوع و ویژگی که آن مرجع باید دارا باشد، تصریحی ندارد.

### ۳.۲. از طرح دعوا علیه هابره در محاکم بلژیک تا طرح دعوا علیه سنگال در دیوان بین‌المللی دادگستری:

در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۰ یک نفر با تابعیت (بلژیکی-چادی) شکایتی علیه حیسن هابره برای نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شکنجه و نسل زدایی تقدیم محاکم بلژیک کرد. از ۳۰ نوامبر ۲۰۰۰ تا ۱۱ دسامبر ۲۰۰۱ حدود ۲۰ شکایت از این دست، توسط افراد مطرح گردید که از این تعداد، ۱۸ مورد آن مربوط به اتباع چاد بود. شکایات مطروحه مستند به قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ (اصلاحی ۱۹۹۹) در خصوص سرکوب نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه و کنوانسیون ضد شکنجه بودند. دولت بلژیک با تنظیم قرار جلب بین‌المللی و ارسال آن به سنگال در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۵ از آن کشور درخواست کرد تا حیسن هابره را مسترد دارد.

در واقع مبنای چنین تقاضایی صلاحیت جهانی بود و در نهایت نیز تأثیر بسزایی بر تأسیس شعب فوق العاده داشت. فشار جامعه بین‌المللی سبب شد تا دولت سنگال نسبت به جنایات ارتكابی هابره در چاد از خود واکنش نشان دهد و با همکاری اتحادیه آفریقایی چنین شعبی ایجاد گردد.

اعمال صلاحیت کیفری یک کشور نسبت به جنایات ارتكابی به اشکال زیر قابل تحقق است: صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه،

صلاحیت واقعی و صلاحیت حمایتی. صلاحیت سرزمینی به واسطه محل وقوع جنایت است و بر این اساس محاکم کشور محل وقوع جرم نسبت به جرایم ارتكابی افراد صالح به رسیدگی خواهند بود. صلاحیت شخصی به محاکم یک کشور اجازه می‌دهد تا صلاحیت خود را نسبت به جرایم ارتكابی توسط اتباع خود و یا جنایات ارتكابی بر روی اتباع خود اعمال نمایند. در این حالت متهم یا مجنی علیه تبعه دولت مربوطه است. اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، یکی از اصول صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت است، که همانند اصل صلاحیت شخصی، بنای آن بر رابطه تابعیت استوار است. در تعریف این اصل می‌توان گفت: «گسترش صلاحیت تقنینی و قضائی یک کشور نسبت به جرائمی که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور، علیه اتباع آن کشور ارتكاب می‌یابد» (پوربافرانی، ۱۳۸۲: ۹۷) صلاحیت حمایتی به صلاحیتی اطلاق می‌گردد که در راستای حمایت از منافع ملی و امنیتی یک کشور اعمال می‌گردد (شریعت باقری، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

بر طبق صلاحیت جهانی، دادگاههای داخلی یک کشور صلاحیت رسیدگی به جرائمی دارند که نه در قلمرو کشور رسیدگی کننده واقع شده و نه متهم و نه مجنی علیه هیچ کدام تبعه آن کشور نیستند و نه جرم علیه آن کشور ارتكاب یافته است. قبیح بودن جرائم ارتكابی موضوع صلاحیت جهانی به آن حد است که وجدان جامعه جهانی را جریحه دار می‌سازد و در نتیجه به هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمینی را خواهد داد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳: ۷۶). به عبارت دیگر، «صلاحیت جهانی یک دکتربین کارکردی، مبتنی بر نیاز به جبران ناتوانی نظام فاقد تمرکز بین‌المللی برای اعمال اساسی‌ترین قوانین آن که همانا بی‌کیفر نماندن جرائم است» (حجت‌زاده و درجی، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

دیوان استیناف داکار در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۵ در پاسخ به استرداد آقای هابره اعلام کرد که صلاحیت تحقیق و تعقیب علیه رئیس جمهور برای اعمال ارتكابی در چارچوب وظایفش را ندارد و ایشان از مصونیت قضایی برخوردار است و از این طریق صحت قرار جلب صادره توسط بلژیک را زیر سؤال برد.

متعاقب آن سنگال موضوع محاکمه رئیس جمهور را در اتحادیه آفریقایی مطرح کرد. کنفرانس روسای کشور و دولت این سازمان به موجب تصمیم (VII) ۱۲۷ مقرر داشت که: «جمهوری سنگال ماموریت دارد تا پرونده هیسن هابره را به نام آفریقا تعقیب و وی را توسط مراجع سنگالی صالح با تضمین دادرسی صحیح و عادلانه مورد محاکمه قرار دهد.» (Conférence de l'Union Africaine, Septième session ordinaire, 1 – 2 juillet 2006)

با بی‌نتیجه ماندن درخواست‌های مکرر دولت بلژیک از سنگال برای محاکمه یا استرداد وی به آن کشور، بلژیک در ۱۹ فوریه ۲۰۰۹ اقدام به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی

دادگستری کرد. دیوان در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۲ در قضیه موسوم به «مسائل مربوط به تعهد تعقیب یا استرداد» (بلژیک علیه سنگال) رای خود را صادر کرد. دیوان متذکر شد که دولت سنگال در انجام تعهدات ناشی از کنوانسیون ملل متحد در مورد شکنجه و سایر اعمال بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز کوتاهی کرده و در صورت عدم استرداد وی باید «هر چه زودتر» پرونده حیسن هابره را به مقامات صلاحیتدار خود جهت تعقیب کیفری وی ارسال دارد (CIJ, (Belgique c. Sénégal), 20 juillet 2012, para : 122).

تعهد به محاکمه یا استرداد مبنایی معاهده‌ای و عرفی دارد. کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های اول الحاقی ۱۹۷۷ تخلف از برخی تعهدات را نقض شدید تلقی کرده است. ارتکاب نقض‌های شدید مستوجب تعقیب و محاکمه است و دول عضو متعهدند در وهله اول به تعقیب و جستجوی این افراد بپردازند و در ثانی مرتکبین چنین اعمالی را در صورت یافت شدن در قلمروشان، محاکمه و یا به کشور دیگر مسترد دارند. پس نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه مثل قتل عمدی، شکنجه یا اعمال غیرانسانی و آزمایشات زیست‌شناختی، جنایت بین‌المللی است و نه تنها مربوط به دولت قربانی بلکه به همه دولت‌های عضو معاهده مربوط می‌شود (Maison, 1995: 269).

ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه رعایت و الزام به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را مورد توجه قرار می‌دهد. به موجب این ماده، طرف‌های متعهد علاوه بر رعایت کنوانسیون‌های مزبور در تمامی اوضاع و احوال باید نسبت به رعایت آن نیز اطمینان حاصل نمایند (باقر پور اردکانی، ۱۳۹۰: ۲۱۳). این چنین تعهدی تنها از خود کنوانسیون‌ها ناشی نمی‌شود بلکه از اصول کلی حقوق بشردوستانه که این کنوانسیون‌ها بیانگر آن تعهدات هستند، ناشی می‌گردد (CIJ, 1986: 114). پس دول عضو سه تعهد بر عهده دارند: الف) تعهد به قانونگذاری؛ ب) تعهد به جستجو و تعقیب مظنونین ارتکاب جنایات شدید کنوانسیون‌های ژنو؛ ج) محاکمه یا استرداد (Pictet, 1952: 590). علاوه بر کنوانسیون‌های چهارگانه، اسناد بین‌المللی دیگر نیز که اکثر دولتها به آن ملحق شده‌اند موضوع محاکمه یا استرداد را مورد شناسایی قرار داده‌اند. گرایش اسناد متعدد نسبت به تعهد به محاکمه یا استرداد در فقدان یک محکمه بین‌المللی تحقق اصل صلاحیت جهانی را تقویت خواهد کرد. شناسایی جنین تعهدی در اسناد متعدد می‌تواند گواهی بر وجود یک قاعده عرفی در خصوص تعهد محاکمه یا استرداد باشد. در مورد عرفی بودن و نبودن چنین تعهدی بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوقدانان همانند تئودور میرون (Theodor Meron) اعتقاد دارند که دولت‌ها معدودی در سطح داخلی، قانونی درباره تعقیب جنایتکاران وضع کرده‌اند و رویه قضایی بیشتر جنبه استثنایی دارد و به همین جهت می‌توان چنین

نتیجه گرفت عنصر مادی تعهد به محاکمه یا استرداد وجود ندارد. در مقابل بعضی دیگر از حقوقدانان همانند شریف بسیونی (Cherif Bassiouni) جنبه‌های دیگر را لحاظ کرده‌اند و به اسناد سازمان‌های بین‌المللی و کارهای کمیسیون حقوق بین‌الملل در باب پیش نویس جنایات علیه صلح و امنیت بشری توجه کرده‌اند و حتی آقای بسیونی ادعا می‌کند که تعهد به محاکمه یا استرداد یک قاعده آمره است (Olivier, 1997: 147-148).

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حیسن هابره فرصت را غنیمت شمرده و مطالبی در خصوص تعقیب و محاکمه و استرداد در راستای مفاد ماده ۷ کنوانسیون ضد شکنجه بیان کرد. دیوان متذکر می‌شود دولتی که متهم در قلمروش یافت می‌شود در صورت پاسخ مثبت به درخواست استرداد، آن دولت از تعقیب معاف می‌شود. به عبارت دیگر استرداد، اختیاری است که توسط کنوانسیون به دول عضو کنوانسیون عرضه می‌شود در حالی که محاکمه تعهدی بین‌المللی است که در کنوانسیون پیش‌بینی شده و نقض آن موجب مسؤولیت بین‌المللی دولت می‌گردد. (Ibid, para: 95) لازم به ذکر است که با پیش‌بینی جنایات شدید در کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹، فصل تازه‌ای در سرکوب این جنایات در حقوق بین‌الملل بشردوستانه گشود و تحقق گامی دیگر به سوی اجرای صلاحیت جهانی تضمین شد (La Pradelle, 2000: 907-908). تعهد به استرداد یا محاکمه ابتدا در اسناد بین‌المللی چندجانبه چون کنوانسیون نسل زدایی ۱۹۴۸، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و کنوانسیون ضد شکنجه بوجود آمد و به تدریج در حقوق داخلی کشورها مورد پذیرش واقع شد. برای مثال ماده ۴۹ کنوانسیون اول ژنو ۱۹۴۹ تعهد به تعقیب و محاکمه در دادگاههای داخلی خود و یا استرداد به سمت یک دولت دیگر را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

دیوان بین‌المللی دادگستری همانند دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، ممنوعیت شکنجه را جز حقوق بین‌الملل عرفی می‌داند که دارای ویژگی آمره است. شناسایی عرفی بودن ممنوعیت شکنجه به سبب رویه بین‌المللی و اعتقاد حقوقی دولت‌ها می‌داند. این ممنوعیت نه تنها در اسناد بین‌المللی متعدد بلکه در حقوق داخلی قریب به اتفاق دولت‌ها مورد شناسایی واقع شده است (Ibid, para: 99).

پس تعهدات قراردادی چند جانبه‌ای چون تعهدات مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ دارای ارزش اساسی و «تعهدی در برابر کل جامعه بین‌المللی» است و دولت متخلف در قبال دول متعاقد و کل جامعه بین‌المللی مسؤولیت خواهد داشت. لذا دولت سنگال در خصوص اصل محاکمه یا استرداد، علاوه بر حقوق معاهده‌ای به موجب حقوق عرفی نیز متعهد است.

بعد از تجزیه و تحلیل علل شکل گیری شعب فوق العاده سنگال در گفتار دوم صلاحیت-ها و حقوق حاکم بر این شعب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۳. گفتار دوم: مبنای شکل گیری، صلاحیت و حقوق حاکم بر شعب فوق العاده

#### سنگال

شکل گیری این شعب با مشکلات زیادی همراه بوده است. بخش عمده‌ای از این مشکلات به نبود اراده سیاسی جهت تعقیب و محاکمه حیسن هابره باز می‌گردد و بخش دیگری که دولت سنگال به کرات بر آن تأکید داشت، مشکلات حقوقی و مشکلات مالی بود. مشکلات حقوقی بیشتر ناظر به قوانین و مقررات این کشور می‌شد و دولت سنگال اعتقاد داشت که این مقررات امکان تعقیب و محاکمه حیسن هابره را نمی‌دهد زیرا هم متهم و هم قربانی و هم محل وقوع جنایات، کشور چاد می‌باشد و بر اساس قوانین و مقررات سنگال امکان تعقیب و محاکمه رئیس جمهور پناهنده به سنگال را نمی‌دهد. دومین بخش از مشکلات مطروحه از طرف سنگال ناظر به مشکلات مالی بود. البته دیوان بین‌المللی دادگستری در رای خود اعلام کرد که مشکلات مالی نمی‌تواند عدم تعقیب هابره را توجیه کند. وانگهی، دولت سنگال اعلام کرده که هرگز مشکلات مالی را توجیهی برای کوتاهی از تعهداتی که این دولت بر عهده دارد، مطرح نکرده است (Ibid, para: 112) به هر حال بعد از فراز و نشیب‌های فراوان این شعب در سال ۲۰۱۳ تشکیل شد.

### ۱.۳. موافقت‌نامه منعقد شده بین دولت سنگال و اتحادیه آفریقایی: مبنای شکل گیری

#### شعب فوق العاده سنگال

اتحادیه آفریقایی و دولت سنگال در ۲۲ اوت ۲۰۱۲ در داکار موافقت‌نامه‌ای به منظور تأسیس شعب فوق العاده سنگال امضا کردند. دیباچه موافقت‌نامه مزبور مستقیماً بر اسنادی چون کنوانسیون ضد شکنجه ۱۹۸۴ و تصمیماتی چون رای دیوان دادگستری جامعه اقتصادی دول آفریقای غربی (۲۰۱۰) و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی بلژیک علیه سنگال (۲۰۱۲) تأکید دارد. این موافقت‌نامه از جهات گوناگون قابل تأمل است زیرا علیرغم این که ماده یک اساسنامه شعب فوق العاده سنگال، موضوع اساسنامه را اجرای تصمیم اتحادیه آفریقایی می‌داند؛ اما باید متذکر شد که این سند به نحوی در راستای اجرای مفاد رأی دیوان بین‌المللی دادگستری قابل ارزیابی است.

اتحادیه آفریقایی در هفتمین اجلاس عادی خود در بانجول در سال ۲۰۰۶ به سنگال ماموریت داد تا به نام آفریقا، حیسن هابره را توسط مرجع صالح با رعایت تضمینات دادرسی

عادلانه مورد تعقیب و مجازات قرار دهد. (Décision sur le procès d'Hissène Habré et l'Union Africaine, AU/Dec. 127(VII), 1-2 juillet 2006) سرانجام این ماموریت با انعقاد موافقت‌نامه ۲۰۱۲ محقق شد و از این طریق گام مؤثری در حوزه مبارزه با جنایات بین‌المللی برداشته شد.

اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال ضمیمه این موافقت‌نامه و جز لاینفک آن (Article 1, Accord entre le gouvernement de la République du Sénégal et l'Union Africaine sur la création de Chambres Africaines extraordinaires au sein des juridictions sénégalaises, 22 août 2012) محسوب می‌شود. پس موافقت‌نامه ۲۰۱۲ مبنای تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال و اساسنامه شعب، سند تأسیس آن نهاد قضایی محسوب می‌شود که نحوه کار و صلاحیت‌ها را تعیین می‌کند که در ادامه به تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت. موافقت‌نامه ۲۰۱۲ و اساسنامه، نام این شعب را «شعب آفریقایی فوق‌العاده سنگال»<sup>۱</sup> نامیده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود این شعب از حیث وجه تسمیه، شباهت زیادی با شعب فوق‌العاده کامبوج دارند. از نظر ایجاد تفاوت اساسی بین این دو مرجع وجود دارد زیرا شعب فوق‌العاده کامبوج بنا به درخواست دولت کامبوج از سازمان ملل متحد به منظور تعقیب خمرهای سرخ تشکیل شد. ماهیت جنایات ارتكابی توسط خمرهای سرخ و همچنین ضعف دستگاه و سازمان قضایی کامبوج جهت رسیدگی به چنین جنایاتی باعث شد تا این کشور ضرورت تأسیس مرجعی با مشارکت بین‌المللی از حیث ترکیب قضات و همچنین از نظر حقوق قابل اعمال احساس کند. به همین جهت با انعقاد موافقت‌نامه‌ای در سال ۲۰۰۳، شعب فوق‌العاده کامبوج تشکیل شد. اما تفاوت اساسی که بین شعب فوق‌العاده سنگال و کامبوج در این است که شعب فوق‌العاده سنگال در نتیجه انعقاد موافقت‌نامه‌ای با اتحادیه آفریقایی ایجاد شده است و سازمان ملل متحد هیچ نقشی در ایجاد آن نداشته است. به عبارت دیگر شعب فوق‌العاده سنگال ناشی از اقدامات منطقه‌ای است که در چارچوب اتحادیه آفریقایی محقق شده است. ترکیب قضات شعب فوق‌العاده کامبوج ترکیبی واقعاً بین‌المللی است زیرا این مرجع مرکب از قضات ملی و بین‌المللی است در حالی که در شعب فوق‌العاده سنگال اکثر قضات آن، قضات سنگالی هستند و تنها روسای شعبه بدوی و تجدید نظر غیرسنگالی می‌باشند. البته لازم به ذکر است که این روسا از میان اتباع سایر دول عضو اتحادیه آفریقایی انتخاب می‌شوند. شعب فوق‌العاده سنگال مرکب از چهار شعبه زیر می‌باشد: شعبه فوق‌العاده تحقیقات، شعبه فوق‌العاده بازپرسی، شعبه فوق‌العاده بدوی و شعبه فوق‌العاده تجدید نظر. شعبه فوق‌العاده تحقیقات مرکب از ۴ قاضی اصلی و ۲ قاضی علی-

1. Chambres africaines extraordinaires du Sénégal

البدل، شعبه فوق العاده بازپرسی مرکب از ۳ قاضی اصل و ۱ قاضی علی البدل، شعبه فوق العاده بدوی مرکب از ۲ قاضی اصلی و ۲ قاضی علی البدل و در نهایت شعبه فوق العاده تجدید نظر مرکب از ۲ قاضی اصلی و ۲ قاضی علی البدل می باشد. این قضات بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری سنگال توسط رئیس کمیسیون اتحادیه آفریقایی انتخاب می شوند. این قضات از میان اشخاصی انتخاب می شوند که از حیث اخلاقی و بی طرفی مشهور باشند و حداقل مدت حداقل ۱۰ سال به فعالیت قضایی اشتغال داشته باشند. روسای شعب فوق العاده بدوی و تجدید نظر باید علاوه بر شرایط فوق در دولت های خود دارای عالی ترین مشاغل قضایی نیز باشند.

مسائل بودجه ای یکی از عمده ترین مشکلاتی بود که قبل از امضای موافقت نامه بین سنگال و اتحادیه آفریقایی مطرح گردید. دولت سنگال جهت برگزاری محاکمه حیسن هابره حدود ۲۷ میلیون یورو درخواست کرد. سرانجام بعد از مذاکرات انجام شده به حدود ۷ میلیون چهارصد هزار یورو رضایت داد. مذاکرات دشواری جهت مشارکت دولت ها و سازمان های بین المللی صورت گرفت و حدود ۳ سال طول کشید تا اینکه در میزگردی متشکل از کمک کنندگان در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰ به نتیجه رسیدند.<sup>۱</sup>

ماده ۳ موافقت نامه منعقد شده بین سنگال و اتحادیه آفریقایی و ماده ۳۲ اساسنامه شعب فوق العاده سنگال به موضوع بودجه پرداخته اند. ماده ۳۲ اساسنامه اشعار می دارد: «۱- برقراری و شروع به کار شعب آفریقایی فوق العاده از محل بودجه مصوب میزگرد ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰ هزینه خواهد شد. ۲- در صورت نیاز به منابع مالی اضافی در زمان مناسب تامین خواهد شد.» ( Article 3, Accord entre le gouvernement de la République du Sénégal et l'Union Africaine sur la création de Chambres Africaines extraordinaires au sein des juridictions sénégalaises, 22 août 2012

بعد از بررسی مبنای شکل گیری شعب فوق العاده سنگال لازم است به مسائل مربوط به صلاحیت این شعب بپردازیم.

۱. در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰ برخی از دولت ها و سازمان های منطقه ای جهت کمک به تأسیس شعب فوق العاده سنگال اعلام آمادگی کردند که از آن میان می توان به اتحادیه اروپایی (۲ میلیون یورو)، اتحادیه آفریقایی (۱ میلیون دلار) و کشورهایی چون ایالات متحده آمریکا (۱ میلیون دلار)، هلند (۱ میلیون یورو)، آلمان و بلژیک هر کدام (۵۰۰ هزار دلار)، فرانسه (۳۰۰ هزار یورو)، لوگزامبورگ (۱۰۰ هزار یورو) و سرانجام دولت چاد (۳ میلیون ۷۴۳ هزار دلار) تقبل کردند. نک به:

Human Rights Watch, L'affaire Hissène Habré devant les Chambres africaines extraordinaires au Sénégal, 1er février 2013, p. 7.

### ۲.۲.۳. صلاحیت شعب فوق‌العاده سنگال:

اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال موضوع صلاحیت را به دو صورت تجمیع و تشریح صلاحیت در مواد ۳ تا ۸ بیان کرده است. ماده ۳ اساسنامه اشعار می‌دارد: «شعب آفریقایی فوق‌العاده نسبت به تعقیب و محاکمه مسؤول یا مسؤولان اصلی جنایات و نقض‌های حقوق بین‌الملل، عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های تصویب شده توسط چاد که از تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا ۱ دسامبر ۱۹۹۰ در سرزمین چاد ارتکاب یافته است، صالح می‌باشد.»

این ماده صلاحیت‌های مختلف را بیان مسؤول یا مسؤولان اصلی (صلاحیت شخصی)؛ جنایات و نقض‌های حقوق بین‌الملل، عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های تصویب شده توسط چاد (صلاحیت مادی)؛ از تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا ۱ دسامبر ۱۹۹۰ (صلاحیت زمانی)؛ در سرزمین چاد (صلاحیت مکانی) تجمیع کرده است. در ارتباط با تشریح صلاحیت، اساسنامه بیشتر به شرح مبسوط صلاحیت مادی (مواد ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸) و صلاحیت شخصی (ماده ۱۰) پرداخته است و از تشریح دو صلاحیت دیگر خودداری کرده است. به منظور روشن شدن امر هریک از این صلاحیت‌ها به ترتیب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

### ۱.۲.۳. صلاحیت زمانی و مکانی:

شعب فوق‌العاده سنگال نسبت به جنایات ارتكابی در چاد از ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا ۱ دسامبر ۱۹۹۰ و همچنین نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب شده توسط چاد صالح است. به عبارت دیگر از حیث صلاحیت زمانی، شعب فوق نسبت به دوره ۸ ساله ریاست جمهوری حسین هابره صالح می‌باشد. جنایاتی که توسط ایشان و یا به دستور وی در سرزمین چاد ارتکاب یافته است تحت صلاحیت شعب فوق‌العاده قرار دارد. این شعب دائمی نیستند و با رسیدگی به تمامی جنایات تحت شمول صلاحیت آن منحل خواهند شد. بند ۴ ماده ۲۶ اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال دربارهٔ اجرای مجازات حبس توسط محاکم ملی و همچنین ماده ۳۷ آن موقتی بودن این شعب را متذکر می‌شوند و با رسیدگی و اتخاذ تصمیم و قطعیت آنها، شعب مزبور برجیده و منحل خواهند شد.

### ۲.۲.۳. صلاحیت شخصی:

یکی از دلایل اصلی تأسیس اکثر محاکم کیفری در عرصه بین‌المللی، تعقیب و محاکمه مرتکبین جنایات بین‌المللی بوده است. یکی از آثار مهم چنین تعقیب و محاکمه‌ای شناسایی مسؤولیت کیفری فردی است. در اسناد مؤسس اغلب این محاکم موضوع مسؤولیت کیفری فردی لحاظ شده است. اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال نیز از این قاعده مستثنی نیست.



همان طور که قبل از این بیان شد شکل گیری این شعب به منظور محاکمه مرتکبین جنایات انجام شده در چاد بین سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۰ بوده است. ماده ۱۰ اساسنامه، شعب فوق-العاده نسبت به اشخاص حقیقی صلاحیت دارد. این ماده زیر عنوان مسؤولیت کیفری فردی و عدم تأثیر سمت رسمی بیان شده است. ارتکاب، دستور ارتکاب یا تحریک به ارتکاب یا به هر شکل دیگر کمک و تشویق و طراحی، مساعدت یا اجرای جنایات مندرج در مواد ۵ تا ۸ اساسنامه به صورت فردی مسؤول جنایات فوق به عنوان مباشر یا شریک و معاون می باشد. شرکاء و معاونین جنایات بین المللی نقش عمده ای در ارتکاب جنایات بازی می کنند زیرا این افراد با تشویق، طراحی و مساعدت ارتکاب جنایات را فراهم می کنند. به عبارت دیگر صحنه گردان اصلی جنایات همان معاونین و شرکاء جنایات هستند و این افراد مستقیماً دست به ارتکاب جنایت نمی زنند. به همین دلیل در ماده ۱۰ به دنبال پیش بینی مسؤولیت کیفری فردی به موضوع سمت رسمی افراد پرداخته است و موقعیت و سمت رسمی متهم، وی را میرا از مسؤولیت کیفری نمی کند و موجبی برای کاهش مجازات نمی داند. در مقام بیان سمت رسمی، اساسنامه به رئیس کشور یا رئیس دولت یا مقامات عالی رتبه اشاره می کند و چنین مقام و جایگاه و سمتی را از اسباب معافیت یا تخفیف مجازات تلقی نمی کند.

ارتکاب جنایات موضوع صلاحیت شعب فوق العاده توسط افراد تحت امر یا زیر دستان نیز مورد این اساسنامه قرار گرفته است. بر طبق اساسنامه، مقام مافوق<sup>۱</sup> مسؤولیت کیفری اعمال ارتکابی افراد تحت امر را بر عهده دارد در صورتی که مقام مافوق می دانسته یا فرائسی در دست است تا آگاه شود که افراد تحت امر او مرتکب جنایت خواهند شد یا مرتکب شده اند و مقام مافوق از اتخاذ تدابیر ضروری و متعارف برای جلوگیری از اعمال فوق یا به کیفر رساندن مباشران آن کوتاهی کرده است.

این واقعیت که متهم در اجرای دستور دولت یا مقام مافوق اقدام کرده است موجب معافیت وی از مسؤولیت کیفری نمی شود اما ممکن است به عنوان دلیل تخفیف مجازات مورد توجه قرار گیرد. اساسنامه شعب فوق العاده با تاسی از سایر مراجع کیفری اجرای امر مافوق را موجب تبرئه کامل نشناخته بلکه آن را به عنوان عاملی برای تخفیف مجازات توجه کرده است اما تصریحی نسبت به «اقتضای اجرای عدالت» در این باره که معمولاً در اسناد مشابه در خصوص اوامر مافوق درج شده، ندارد.

۱. برای اطلاعات بیشتر نک به: میر محمد صادقی، حسین، «دادگاه کیفری بین المللی»، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۸۳: ۱۴۲.

### ۳.۲.۳. صلاحیت مادی شعب فوق‌العاده:

شعب فوق‌العاده نسبت به جنایات ذیل صلاحیت دارد: ۱- جنایت نسل‌زدایی؛ ۲- جنایات علیه بشریت؛ ۳- جنایات جنگی؛ ۴- شکنجه. جنایات مندرج در اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال عمدتاً برگرفته از اساسنامه رم ۱۹۹۸ است. در خصوص نسل‌زدایی دقیقاً همان تعریف ارائه شده در اساسنامه رم را اتخاذ کرده و مصادیق ذیل این جنایات را عیناً بیان کرده است. تنها تفاوت این است که بجای واژه «کشتن» در متن اساسنامه رم از واژه «قتل عمدی» استفاده شده است. در مورد جنایات علیه بشریت تفاوت‌هایی با اساسنامه رم مشاهده می‌شود. بر طبق اساسنامه رم منظور از جنایات علیه بشریت هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب یابد. اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال قسمت اخیر تعریف جنایات علیه بشریت یعنی «با علم به آن حمله» را پیش‌بینی نکرده است. برخی از حقوقدانان علم به حمله را به عنوان یک نوع قصد خاص تلقی کرده‌اند (شبث، ۱۳۸۴: ۵۳). اما بر اساس عناصر تشکیل دهنده جرائم علم مرتکب نسبت به همه ویژگی‌های حمله یا جزئیات دقیق نقشه یا طرح دولت یا سازمان ذیربط ضروری نیست (Affaire Kunarce, ICTY : 434).

در مقام احصای مصادیق جنایات علیه بشریت بین اساسنامه رم و اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال تفاوت‌های اندکی وجود دارد. حاملگی اجباری<sup>۱</sup> مندرج در لیست جنایات علیه بشریت مذکور در اساسنامه رم ۱۹۹۸ را پیش‌بینی نکرده است. در بند «و» جنایات علیه بشریت، اساسنامه شعب فوق‌العاده به موضوع «به بردگی گرفتن یا اعمال گسترده یا سازمان یافته اعدام‌های بدون محاکمه، ربودن اشخاص و ناپدید شدن آنها» اشاره می‌کند. آنچه که در این اساسنامه توجه ما را به خود جلب می‌کند این است که در اساسنامه رم ۱۹۹۸ در ماده ۷ که جنایات علیه بشریت را پیش‌بینی می‌کند به اعدام‌های بدون محاکمه اشاره نمی‌کند، در حالی که اساسنامه شعب ضمن تلقی این نوع اعدام‌ها به عنوان جنایات علیه بشریت بر گستردگی و سازمان یافتگی آن اعدام‌ها تأکید دارد. به عبارت دیگر تحقق جنایات علیه بشریت در خصوص اعدام‌های بدون محاکمه باید گسترده «و» سازمان یافته باشد. اساسنامه شعب فوق‌العاده در مقام تعریف جنایات علیه بشریت همان تعریف ارائه شده در اساسنامه رم را ذکر می‌کند. یعنی «ارتکاب هر یک از اعمال ذیل هنگامی که حمله گسترده «یا» سازمان

۱. برای اطلاعات بیشتر نک به: کیتی شیایزری، کریانگ ساک، «حقوق بین‌المللی کیفری»، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، ۱۳۸۳: ۲۱۶-۲۱۵.

یافته... در حالی که در مقام بیان اعدام‌های بدون محاکمه تحقق آن را منوط به به گستردگی «و» سازمان یافتگی می‌کند. به عبارت دیگر با به کارگیری واژه «و» بین دو واژه گستردگی و سازمان یافتگی، آستانه تحقق جنایات علیه بشریت را توسعه داده است.

بند «ز» جنایات علیه بشریت در اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال به شکنجه یا سایر اعمال عمدی که سبب رنج‌های بزرگ یا صدمات شدید بر تمامیت جسمی یا سلامت فیزیکی و روانی به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی یا جنسیتی گردد. در اساسنامه این شعب توجه خاصی به شکنجه<sup>۱</sup> شده است زیرا علاوه بر ممنوعیت شکنجه به عنوان یکی از مصادیق بارز جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به طور خاص و مستقل نیز لحاظ شده و به صورت جداگانه شکنجه را یکی از جنایات تحت صلاحیت شعب فوق‌العاده قرار گرفته است. تعریف ارائه شده از شکنجه در اساسنامه شعب مذکور بیشتر تحت تأثیر کنوانسیون ضد شکنجه است. به هر حال به نظر می‌رسد چند عامل در قرار دادن شکنجه به عنوان یکی از جنایات تحت صلاحیت شعب مؤثر بوده است: الف) به سبب ارتکاب زیاد این جنایت در طی حکومت حیسن هابره در چاد؛ ب) رهایی از آستانه‌های مورد نظر در جنایات علیه بشریت یعنی گستردگی یا سازمان یافتگی مندرج در ماده ۶ اساسنامه شعب فوق‌العاده. تدین کنندگان اساسنامه با علم به مشکلات ناشی از تحقق آستانه‌های مورد نظر در جنایات علیه بشریت ترجیح دادند تا راه فرار احتمالی شکنجه‌گران را ببندند و از این طریق امکان تعقیب و محاکمه این افراد تسهیل شود.

در خصوص جنایات جنگی، اساسنامه شعب فوق‌العاده، تقریباً همان تعاریف مندرج در اساسنامه رم را با کمی جرح و تعدیل مورد پذیرش قرار داد. یکی از مهمترین نکات قابل توجه در باب جنایات جنگی مندرج در شعب فوق‌العاده سنگال این است که اساسنامه این دادگاه اقدامات تروریستی را به عنوان یکی از مصادیق جنایات جنگی تلقی می‌کند؛ چیزی که در اساسنامه رم نه تنها در مورد جنایات جنگی بلکه در مورد سایر جنایات نیز ساکت است. آخرین بند جنایات جنگی به تهدید ارتکاب اعمال مذکور اختصاص دارد. کلیه مواردی که تحت عنوان مصادیق جنایات جنگی حین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی ذکر شده اند در صورتی که با «تهدید به ارتکاب» این اعمال همراه باشد نیز جنایات جنگی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر تهدید به ارتکاب جنایات جنگی همانند انجام آن تحت صلاحیت شعب فوق‌العاده سنگال قرار می‌گیرد.

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص شکنجه نک به: اردبیلی، محمد علی، «حقوق بین‌الملل کیفری-گزیده مقالات ۱»، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۳۱.

### ۳.۳. آئین رسیدگی و حقوق حاکم بر آن در شعب فوق‌العاده سنگال:

دادستانی نقش اصلی در شروع رسیدگی را بازی می‌کند. دادن اختیار به دادستان<sup>۱</sup> جهت شروع تحقیقات یکی از سازوکارهایی است که در اکثر نظام‌های ملی مورد شناسایی قرار گرفته است. اساسنامه شعب فوق‌العاده نیز در ماده ۱۷ چنین اختیاری را به دادستان تفویض می‌کند. بند ۴ ماده ۱۷ اشعار می‌دارد: «دادستان بر طبق اطلاعاتی که خود رأساً یا بر اساس اطلاعات دریافتی از هر منبعی خصوصاً دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی یا بر اساس شکایات قربانیان شروع کند.» پس دادستان رأساً می‌تواند تحقیقاتی را در باب جنایات تحت صلاحیت شعب فوق‌العاده آغاز کند و یا اینکه بر طبق اطلاعاتی که وی دریافت می‌کند، تحقیقات را شروع نماید. دادستان، اطلاعات را از منابعی چون دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی یا غیردولتی یا قربانیان بدست می‌آورد. چنین مقرره‌ای هم در اساسنامه دادگاههای کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و هم رواندا و همچنین دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد. مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در شکل‌گیری و اجرای مقررات بین‌المللی یکی از موضوعات مهمی است که از دیرباز مورد توجه حقوق‌دانان بوده است. مشارکت این سازمان‌ها در قالب ائتلاف سازمان‌های غیر دولتی گواهی بر نقش کلیدی آنها قبل، حین و بعد از کنفرانس رم ۱۹۹۸ در مورد تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی است. رسیدگی به قضایا بر عهده شعب فوق‌العاده است. در صورتی که تحقیقاتی توسط سایر دولت‌ها درباره جنایات تحت صلاحیت شعب فوق‌العاده صورت گرفته باشد، شعب مذکور می‌توانند از مقامات قضایی آن دولت‌ها دریافت و مورد استفاده قرار دهند. شعب فوق‌العاده می‌توانند تعقیب کیفری و دلایل را از مقامات صالح دولت‌های مربوطه درخواست نمایند.

ماده ۱۶ اساسنامه زیر عنوان حقوق قابل اعمال به دو منبع اشاره کرده است. بر طبق این ماده «۱- شعب فوق‌العاده این اساسنامه را اعمال می‌کند. ۲- در صورت عدم پیش‌بینی در اساسنامه، شعب فوق‌العاده، قانون سنگال را اعمال می‌کند.» نحوه نگارش اساسنامه گویای نوعی تقدم و تاخر بین منابع مذکور است. چنین رویکردی در ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مشاهده می‌شود. به هر حال در این امر هیچ شکی وجود ندارد که ماده ۱۶ در مقام بیان دو منبع مهم یعنی اساسنامه شعب و قوانین سنگال می‌باشد. لذا، قضات شعب در صورت فقدان قانون در قضیه مطروحه می‌توانند به قوانین ملی سنگال رجوع

۱. بر طبق ماده ۱۲ اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال، دادستان باید تابعیت سنگالی داشته باشد و بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری سنگال توسط رئیس کمیسیون اتحادیه آفریقایی انتخاب می‌شود.

کند. رویکرد سلسله مراتب بین منابع فوق با پیش‌بینی آئین دادرسی و شروع رسیدگی‌ها در ماده ۱۷ اساسنامه شعب فوق‌العاده تقویت و مشخص می‌شود.

ماده ۱۷ مزبور اعلام می‌کند: «۱- شعب فوق‌العاده در وهله این اساسنامه را اعمال می‌کنند و در صورت عدم پیش‌بینی اساسنامه، قانون آئین دادرسی کیفری سنگال را به اجرا می‌گذارد...» با توجه به اینکه این محکمه به این صورت برای اولین بار در چارچوب اتحادیه آفریقایی تشکیل شده تا یک مشکل آفریقایی توسط آفریقا حل و فصل شود. بنابراین در صورتی که شعب فوق‌العاده نتواند بر طبق مقررات اساسنامه، دعاوی مطروحه را حل و فصل نماید؛ در این صورت مقررات داخلی سنگال را جهت رفع نقیصه ناشی از فقد مقررات به اجرا می‌گذارد.

در خصوص مجازات‌های قابل اعمال مندرج در ماده ۲۴ اساسنامه شعب فوق‌العاده باز به قانون سنگال ارجاع داده است. در بند ۲ این ماده در رابطه با جزای نقدی پیش‌بینی شده است که شعب فوق‌العاده علاوه بر حبس می‌تواند جزای نقدی نیز برای اشخاصی که محکوم به یکی از جنایات مورد نظر در مواد ۵ تا ۸ اساسنامه شده‌اند، در نظر بگیرد. تعیین جزای نقدی در این ماده موقوف به معیارهای پیش‌بینی شده در قانون سنگال است.

شعب بدوی در صورت احراز مجرمیت متهم احکام و مجازات‌ها را نسبت به اشخاصی که مرتکب نقض‌های شدید حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و عرف بین‌المللی شده‌اند را اعمال می‌کنند. احکام با اکثریت قضاات شعبه بدوی اتخاذ می‌شود و باید به صورت کتبی و مستدل باشد. در خصوص مجازات‌ها، اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال مجازات حبس ابد، حبس طولی‌المدت، جزای نقدی و ضبط اموال و دارایی‌ها را پیش‌بینی کرده است.

برای رعایت حقوق متهم، رسیدگی در شعب فوق‌العاده سنگال دو مرحله‌ای است و احکام شعب بدوی در شعب تجدید نظر قابل رسیدگی مجدد است. بر طبق ماده ۲۵ اساسنامه، تصمیمات شعب بدوی بر حسب مورد قابل تأیید، رد یا تغییر و بازنگری می‌باشد. تصمیمات شعب تجدید نظر قطعی است و غیر قابل رسیدگی مجدد در مرجع دیگر می‌باشد. نکته جالبی که در اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال پیش‌بینی شده، موضوع امکان الهام

گرفتن از رویه قضایی دیوان‌ها یا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است. پیش‌بینی چنین امری در ماده ۲۵ اساسنامه شعب فوق‌العاده بیانگر وجود تعامل بین محاکم کیفری بین‌المللی است زیرا جنایات مشابه (نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی) در اساسنامه اکثر محاکم کیفری بین‌المللی مورد شناسایی واقع شده است و رویه قضایی محاکم قدیمی‌تر در جنایات مشابه می‌تواند منبع مطمئنی را در اختیار قضاات شعب تجدید نظر بگذارد. چنین رویکردی بین محاکم موقت (یوگسلاوی و رواندا) و همچنین با رویه آتی دیوان

کیفری بین‌المللی و سایر محاکم کیفری نسل سوم حقوق بین‌الملل کیفری می‌تواند نقش مهمی در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل کیفری بازی کند و از تشتت احتمالی آراء بین این محاکم جلوگیری نماید.

#### ۴.۳. اصول کلی حقوق کیفری مندرج در اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال:

برخی از اصول حقوق کیفری هم در نظام‌های ملی و هم در نظام‌های بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته و در اسناد موسس به آنها تصریح شده است. اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال همانند اکثر اسناد موسس محاکم کیفری بین‌المللی دیگر به برخی از این اصول اشاره کرده است که در ادامه به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۱۰

#### ۱.۴.۳. نفی مرور زمان و عفو:

صلاحیت زمانی شعب فوق‌العاده مربوط به جنایات ارتكابی از ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا اول دسامبر ۱۹۹۰ می‌گردد. به عبارت دیگر، صلاحیت دیوان مربوط به دوره ۸ ساله حکومت حیسن هابره است. از آن زمان تاکنون حدود ۲۲ سال می‌گذرد و این زمان نیز در نوع خود قابل توجه است زیرا امکان این که متهمین بتوانند به بهانه اینکه این جنایات مشمول مرور زمان شده سودای فرار از اجرای عدالت را در سر پیوراندند. اما ماده ۹ اساسنامه شعب مزبور با نفی مرور زمان در مورد جنایات تحت صلاحیت شعب راه را برای استفاده احتمالی متهمین از این تأسیس حقوقی بسته است.

اساسنامه شعب مذکور یک گام به جلو گذاشته و علاوه بر پیش بینی نفی مرور زمان، موضوع عفو را به صراحت رد کرده است. ماده ۲۰ اساسنامه اشعار می‌دارد: «عفو اعطا شده - به شخصی که تحت صلاحیت شعب فوق‌العاده برای جنایات مذکور در مواد ۵ تا ۸ این اساسنامه است - مانع تعقیب نمی‌گردد.» دو تأسیس حقوقی مرور زمان و عفو از مهمترین موانع بی‌کیفرمانی محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup> به همین جهت نیز تدوین کنندگان اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال به این امر واقف بودند که با نفی مرور زمان و رد عفو مانع بی‌کیفر ماندن متهمین جرایم ارتكابی در چاد نشوند. یکی از مواردی که بعد از انقلابات و جنگ‌های داخلی معمولاً رخ می‌دهد، عفو عمومی است و این عفو بیشتر به نام آشتی ملی بعمل می‌آید. بر

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: کسسه، آنتونیو، «حقوق کیفری بین‌المللی»، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷: ۴۰۲-۳۹۳.

این اساس همان طور که قبل از این نیز اشاره شد، حقوق قابل اعمال در این شعب، اساسنامه و قوانین سنگال است. لذا، با رد صریح عفو و نفی مرور زمان در اساسنامه این شعب، جایی برای استناد به مقررات داخلی کشور سنگال باقی نمی‌ماند. از اصول مهم دیگر حقوق کیفری که در اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال همانند سایر اساسنامه‌های محاکم کیفری مورد شناسایی قرار گرفته، اصل منع محاکمه مجدد برای جرم واحد است.

### ۲.۴.۳. اصل منع محاکمه مجدد برای جرم واحد:

اصل منع محاکمه مجدد برای جرم واحد در ماده ۱۹ اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال پیش‌بینی شده است. نحوه‌ی نگارش این ماده دقیقاً شبیه ماده ۲۰ اساسنامه رم می‌باشد و بر طبق آن به غیر از موارد مذکور در این اساسنامه - هیچ کس را نمی‌توان در شعب فوق‌العاده سنگال برای اعمالی که قبلاً در شعب مذکور به خاطر آن محکوم یا از آن براءت حاصل کرده است- محاکمه کرد. در بند ۲ ماده ۱۹ مقرر می‌دارد کسی که به اتهام ارتکاب یکی از جرایم مندرج در مواد ۵ تا ۸ در شعب فوق‌العاده سنگال محکوم یا از آن تبرئه شده است، در دادگاه دیگری به خاطر همان جنایت محاکمه نخواهد شد. و در نهایت در بند آخر ماده اشعار می‌دارد کسی که برای ارتکاب عملی که به موجب مواد ۵، ۶، ۷ یا ۸ جرم شناخته شده، توسط دادگاه دیگری محاکمه شده است، توسط شعب فوق‌العاده سنگال برای همان رفتار محاکمه نخواهد شد. مگر اینکه جریان رسیدگی در دادگاه دیگر: الف) به منظور رهاندن شخص مورد نظر از مسؤولیت کیفری جنایات مشمول صلاحیت شعب فوق‌العاده سنگال بوده است یا آنکه ب) دادرسی مستقل یا بی طرفانه مطابق حقوق بین‌الملل صورت نگرفته و به شیوه‌ای انجام شده که در اوضاع و احوال مربوطه مغایر با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر بوده است.

### ۳.۴.۳. مسؤولیت کیفری فردی:

شعب فوق‌العاده سنگال نسبت به اشخاص حقیقی صالح است. هر کس مرتکب، دستور ارتکاب، طراحی یا تحریک به ارتکاب جنایات مورد نظر در اساسنامه شود و یا تشویق به طراحی، تهیه یا اجرای آن نماید به عنوان مباشر یا شریک مسؤولیت کیفری دارد. موقعیت و سمت رسمی فرد موجب معافیت از مسؤولیت کیفری نخواهد شد. اجرای فرامین دولت یا

مقام مافوق، شخص را از مسؤولیت کیفری معاف نمی‌کند و اما می‌تواند به عنوان دلیلی برای تخفیف مجازات تلقی گردد.

اکثر اساسنامه‌های محاکم کیفری با نفی موقعیت و سمت رسمی افراد امکان تعقیب و محاکمه آنها را فراهم آورده‌اند. از طرف دیگر با پیش بینی و طرح تعهد دولت‌ها به همکاری و تعهد به جلوگیری از تخلفات عمده مثل نسل زدایی و شکنجه امکان تعقیب و محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی تسهیل شده است. پس «تعهد بین‌المللی دولت‌ها در مبارزه با جنایات بین‌المللی را می‌توان همانند پلی میان حوزه مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسؤولیت کیفری فردی دانست» (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۳۷).

ارتکاب جنایات بین‌المللی مانع از آن نخواهد شد تا در تعقیب و محاکمه متهمین به ارتکاب چنین جنایاتی از حقوق و تضمینات قضایی و دادرسی منصفانه برخوردار نشوند.

### ۴.۴.۳. حقوق متهم:

ماده ۲۱ اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال به موضوع حقوق متهم می‌پردازد. این ماده تقریباً تکرار مواد حقوق متهم در اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا می‌باشد. در این ماده بر برابری متهمین در پیشگاه شعب فوق‌العاده، رسیدگی منصفانه و علنی به اتهامات متهم و همچنین بر فرض بی‌گناهی وی مادام که مجرمیت وی به اثبات نرسیده، تأکید می‌شود. در بند آخر این ماده نیز به حق متهم در برخورداری از تضمینات حداقلی اشاره شده است. بخش عمده‌ای از این تضمینات در چارچوب حق بر دادرسی منصفانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. حق برخورداری متهم از چنین حقی در اساسنامه‌های محاکم کیفری مورد شناسایی واقع شده است.

از مصادیق بارز چنین تضمیناتی می‌توان به آگاهی متهم از ماهیت و دلایل اتهام، فرصت کافی برای تهیه دفاعیات، محاکمه بدون تاخیر نابجا، محاکمه علنی با حضور متهم یا وکلای وی، پرسش از شهود، برخورداری از مترجم رایگان و عدم اجبار به شهادت علیه خود و اقرار به جرم را نام برد. به طور کلی در یک محکمه کیفری بین‌المللی افرادی چون دادستان، متهم، قربانیان جرم و شهود جملگی در پیشگاه آن حاضر می‌شوند. لذا، تضمین دادرسی منصفانه بین اصحاب دعوا از جمله امور مهمی است که در پرتو اصل تساوی سلاح‌ها محقق خواهد شد. بر طبق این اصل، مرجع قضایی رسیدگی کننده به قضیه، اصحاب دعوا را در مقام بیان مطالب و دفاعیات خویش برابر با یکدیگر می‌داند.

اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال بر عکس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اصول کلی حقوق کیفری را به صورت پراکنده آورده و آنها را در قالب یک فصل جداگانه درج



نکرده است. اساسنامه شعب مزبور علیرغم اینکه از اساسنامه رم اقتباس شده اما نسبت به اصولی همچون اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها و اصل عطف بماسبق نشدن ساکت است. البته نباید فراموش کرد که دیوان کیفری بین‌المللی یک مرجع دائم است و از حیث صلاحیت زمانی تنها نسبت به جرایمی که بعد از لازم الاجرا شدن اساسنامه ارتکاب یافته باشد، صلاحیت دارد. همان طور که در مباحث قبلی ذکر گردید از حیث صلاحیت زمانی، شعب فوق‌العاده نسبت به جنایات ارتكابی در چاد از ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا ۱ دسامبر ۱۹۹۰ صلاحیت دارد. لذا تدوین کنندگان اساسنامه شعب فوق‌العاده سنگال از طرح این اصول در اساسنامه خودداری کرده‌اند. این اصول در اکثر نظام‌های حقوقی داخلی مورد شناسایی واقع شده و از جمله اصول بنیادین دادرسی‌های کیفری تلقی می‌شوند. لازم به ذکر است بر طبق اساسنامه شعب فوق‌العاده حقوق حاکم بر شعب مذکور اساسنامه و در صورت عدم پیش بینی اساسنامه، شعب قانون سنگال را اعمال خواهند کرد. دولت سنگال جهت تسهیل تعقیب و محاکمه حیسن هابره با اصلاح قوانین و مقررات خود، تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین جنایات بین‌المللی (نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی) را از شمول اصول مزبور مستثنی کرد.

#### ۴. نتیجه‌گیری:

شعب فوق‌العاده سنگال با همکاری و توافق اتحادیه آفریقایی و دولت سنگال با هدف تعقیب و محاکمه مسؤول یا مسؤولین اصلی جنایات ارتكابی و نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل، عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب شده توسط چاد و سنگال تأسیس شد. بر عکس تأسیس شعب فوق‌العاده کامبوج که در نتیجه درخواست آن دولت از سازمان ملل متحد صورت گرفت، شعب فوق‌العاده سنگال محصول توافق اتحادیه آفریقایی (سازمان منطقه‌ای) و دولت سنگال است. تأسیس چنین شعبی در چارچوب اتحادیه آفریقایی برای اولین بار و به نام آفریقا صورت گرفته است.

به نظر نوعی عدم اعتماد یا سوء تفاهم به مراجع کیفری بین‌المللی غیر آفریقایی در اتحادیه آفریقایی در حال شکل‌گیری است. این چنین امری با موضعگیری اخیر اتحادیه آفریقایی در قبال دیوان کیفری بین‌المللی تقویت می‌شود. ارجاع وضعیت برخی از کشورهای آفریقایی عمده‌ترین موضوعی است که موجب سوء تفاهم بین دیوان کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی شده است. حدود ۹ قضیه تاکنون در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شده است که همه این پرونده‌ها مربوط به قاره آفریقا است. البته لازم به ذکر است که ابتکار طرح ۵ مورد از این قضایا توسط خود دول آفریقایی ذیربط بوده است. کشورهای اوگاندا، جمهوری

دمکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، ساحل عاج و مالی بر طبق ماده ۱۴ اساسنامه نسبت به جنایات ارتكابی تحت صلاحیت دیوان که در سرزمین آنها رخ داده است از دادستان درخواست تحقیق و رسیدگی کردند. قضایای سودان و لیبی بر اساس ماده ۱۳ و به ابتکار شورای امنیت در دیوان مطرح گردید. بر طبق بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی «شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید.» قضیه مربوط به وضعیت کنیا که اخیراً در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شد سبب نوعی سوءتفاهم و یا بهتر بگوئیم نوعی حس عدم اعتماد به دیوان گردید. نقطه عطف چنین سوءتفاهمی به آغاز تحقیقات توسط دادستان در مورد کنیا باز می‌گردد. خشونت‌های بعد از انتخابات در کنیا باعث شد تا بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه، دادستان رأساً بر طبق اطلاعات واصله مجوز تحقیق را از شعبه بدوی دریافت کند و همین امر نیز باعث شد تا نسبت به دیوان موضع‌گیری‌های شدیدی ابراز شود. از نظر دول آفریقایی، دیوان کیفری بین‌المللی دیوانی برای تعقیب و محاکمه آفریقایی‌ها است و نماد «استعمار نو و امپریالیسم قضایی» محسوب می‌شود (Manirakiza, 2009: 31) چنین رویکردی از طرف دول آفریقایی بیشتر تحت تأثیر قضایای مطروحه در دیوان باشد زیرا تمامی پرونده‌ها مربوط به دول آفریقایی است و همین امر نیز این ذهنیت را تقویت می‌کند که گویی این مرجع جهت تعقیب و محاکمه آنها تأسیس شده است.

در اجلاس اخیر اتحادیه آفریقایی در آدیس آبابا در مه ۲۰۱۳ اتهامات زیادی به دیوان کیفری بین‌المللی وارد کردند و آن را مظهر استعمار نو تلقی کردند. علت اصلی چنین موضعی همان طور که در بالا گفته شد ناشی از اقداماتی است که دیوان نسبت به تعقیب برخی از روسای دول آفریقایی معمول داشته است. در پاسخ به چنین رویکردی، رئیس دیوان کیفری بین‌المللی اعلام کرد که این دیوان مرجعی مستقل و بی‌طرف است. در ضمن ۳۴ کشور آفریقایی در حال حاضر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را تصویب کرده‌اند. در ادامه رئیس دیوان می‌افزاید که اکثر پرونده‌های آفریقایی مطروحه در دیوان بنا به درخواست دول آفریقایی مربوطه بوده و بقیه نیز توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد به این دیوان ارجاع داده شده است.

چنین رویکردی از طرف اتحادیه آفریقایی نشانگر عکس‌العمل جمعی در قبال مراجع غیر آفریقایی اعم از ملی و بین‌المللی است. آخرین اثر سوءتفاهم بین دیوان و دول آفریقایی به موضوع طرح تأسیس دیوان کیفری آفریقایی مربوط می‌شود. بالا رفتن حصار عدم اعتماد بین دیوان کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی، موجبات طرح و شکل‌گیری مرجع کیفری

آفریقایی را تقویت خواهد کرد. شواهد و قرائن موجود درباره تاسیس مرجع کیفری در سطح آفریقا بر توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر دلالت دارد. اتحادیه آفریقایی در صدد تاسیس یک مرجع جدید در آفریقا نیست بلکه با توسعه صلاحیت مادی دیوان آفریقایی حقوق بشر به دنبال پر کردن خلاء فقدان یک مرجع کیفری بین المللی در سطح آفریقا است. دیوان آفریقایی حقوق بشر ضامن رعایت موازین حقوق بشر در این قاره است و قرار گرفتن جنایات بین المللی همچون نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در کنار صلاحیت سنتی دیوان آفریقایی در حوزه‌ی حقوق بشر مشکل چندانی بوجود نمی‌آورد. در همین راستا اتحادیه آفریقایی از کمیسیون آفریقایی درخواست کرده تا کمیسیون مزبور فرایند توسعه ماموریت دیوان آفریقایی حقوق بشر را نسبت به جنایات فوق سریع بخشد (Décision sur les relations entre l'Afrique et la Cour pénale internationale, 2013: 10). با تأسیس شعب فوق العاده سنگال برای محاکمه هیسن هابره شاهد بروز رگه‌های از چنین رویکردی در اتحادیه آفریقایی بودیم.

البته باید اذعان کرد که شعب فوق العاده سنگال همانند دیوان کیفری بین المللی از پشتوانه شورای امنیت برخوردار نیست و به همین جهت امکان بروز موانعی وجود خواهد داشت. یکی از ویژگی‌های اساسنامه شعب فوق العاده سنگال پیش‌بینی شکنجه به عنوان یکی از جنایات تحت صلاحیت آن شعب است. تفاوت مهمی که این اساسنامه با سایر اسناد بین المللی مشابه، در همین مورد است زیرا این سند شکنجه را به صورت مجزا و جداگانه در کنار نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد علت چنین امری ناشی از موانع و شرایط لازم جهت تحقق جنایات علیه بشریت باشد زیرا شکنجه خود یکی از مصادیق بارز این جنایات نیز محسوب می‌شود. پیش‌بینی جنایت شکنجه در اساسنامه شعب فوق العاده سنگال با استعانت از تعریف ارائه شده در کنوانسیون ضد شکنجه ۱۹۸۴ که هم چاد و هم سنگال بدان ملحق شده‌اند، اتخاذ شده است. لذا با پیش‌بینی شکنجه به صورت جداگانه موانع احتمالی بر سر راه تحقق آن جنایت را مرتفع خواهد ساخت و در این صورت گام مؤثری جهت مبارزه با جنایات ارتكابی در سرزمین چاد در طی ۸ سال حکومت هیسن هابره برداشته خواهد شد.

قضات این دیوان به تازگی انتخاب شده‌اند و هنوز به صورت عملی این شعب شروع به کار نکرده‌اند و در نتیجه باید قدری منتظر ماند تا از آن طریق بتوان عملکرد شعب فوق العاده را به نظاره نشست.

## ۵. منابع و مآخذ:

## الف) فارسی:

۱. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۳)، **حقوق بین‌الملل کیفری**، (گزیده مقالات ۱)، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲. باقرپور اردکانی، عباس (۱۳۹۰)، **تعهد جامعه بین‌المللی به رعایت و الزام به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه**، رساله دکتری، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۳. پوربافرانی، حسن (۱۳۸۲)، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران، **نامه مفید**، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، شماره ۳۷، صص ۹۷-۱۲۴.
۴. حجت‌زاده، علیرضا و درجی، حسین (۱۳۹۱)، «اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه بررسی‌های حقوق بین‌الملل**، سال اول، شماره ۱، صص ۱۵۲-۱۳۵.
۵. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰)، «جنبه‌های گوناگون مسؤولیت در حقوق بین‌الملل کیفری»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۴، صص ۲۶۲-۲۲۳.
۶. شبت، ویلیام ا. (۱۳۸۴)، **مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی**، ترجمه سید باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۷. شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۸۴)، **حقوق کیفری بین‌المللی**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۸. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷)، **حقوق کیفری بین‌المللی**، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۹. کیتی شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳)، **حقوق بین‌المللی کیفری**، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۳)، **دادگاه کیفری بین‌المللی**، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

## ب) خارجی:

1. David, Eric (2005), «**Cour pénale internationale**», **RCADI**, Tome 313, pp.325-454.
2. La Pradelle, G. (2000), «**La compétence universelle**» in droit international pénal, sous la dir. Ascensio, H., Decaux, E., Pellet, A., Paris: Pedone.
3. Manirakiza, Pacifique (2009), «L’Afrique et le système de justice pénale internationale», **African Journal of Legal Studies**, pp. 21-52.
4. Maison, R. (1995), «Les premiers cas d'application des dispositions pénales des Conventions de Genève par les juridictions internes», **EJIL**, pp. 260-273.

5. Olivier, M. P. (1997), «L'obligation de juger ou d'extrader dans la pratique contemporaine du Canada», **Revue québécoise de droit international**, pp. 137-170.
6. Pictet, J. (1952), «**Les Conventions de Genève de 1949**», Comité international de la Croix-Rouge.

(ج) اسناد:

1. Accord entre le gouvernement de la République du Sénégal et l'Union Africaine sur la création de Chambres Africaines extraordinaires au sein des juridictions sénégalaises, 22 août 2012
2. Arrêt Souleymane Guengueng et autres c. Hissène Habré, 20 mars 2001
3. Code de procédure pénale sénégalaise
4. Comité contre la torture, CAT/C/36/D/181/2001, 19 mai 2006
5. CEDEAO, ECW/CCJ/JUD/06/10, Hissein Habré c. Sénégal, 18 novembre 2010
6. CIJ, Questions concernant l'obligation de poursuivre ou d'extrader (Belgique c. Sénégal), 20 juillet 2012
7. CIJ, Affaire des activités militaires et paramilitaires au Nicaragua et contre celui-ci (Nicaragua c. Etats-Unis d'Amérique), 27 juin 1986
8. Décision sur le procès d'Hissène Habré et l'Union Africaine, AU/Dec. 127(VII), 1-2 juillet 2006
9. Décision sur les relations entre l'Afrique et la Cour pénale internationale, session extraordinaire de la conférence de l'Union Africaine, 12 octobre 2013
10. Jugement Furundzija, 10 décembre 1998
11. Statut des Chambres africaines extraordinaires au sein des juridictions sénégalaises pour la poursuite des crimes internationaux commis au Tchad durant la période du 7 juin au 1<sup>er</sup> décembre 1990
12. Human Rights Watch, L'affaire Hissène Habré devant les Chambres africaines extraordinaires au Sénégal, 1<sup>er</sup> février 2013